

تحلیل کاربست مقبوله عمر بن حنظله در گزینش اصلح در مناصب حکومتی

حامد میرزاخان^۱ - محمدعلی قاسمی^۲

چکیده

انتخاب افراد برای مسئولیت‌ها و مناصب حکومتی در حکومت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌طور کلی در آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام دلایل مختلفی در راستای تبیین ملاک و معیار انتخاب و تعیین اشخاص برای مناصب حکومتی بیان شده است، یکی از دلایلی که قابلیت رسایی در این حوزه دارد، روایت مقبوله عمر بن حنظله است، از این رو تبیین کاربست مقبوله عمر به حنظله در تعیین تراز و معیار انتخاب افراد، مسأله اصلی این پژوهش می‌باشد. که با روش تحلیلی - توصیفی و اجتهادی صورت می‌پذیرد. مقبوله بایمان دو سنخ ویژگی و با الغای خصوصیت بیانگر صفات انسان‌هایی که می‌خواهند در حکومت اسلامی نقش ایفا کنند. بر اساس دلالت مقبوله، شاخص دانایی بیشتر در کار، درستکاری و پاک دستی، رعایت تقوا و ورع، شبیه‌تر بودن به پیشوایان معصوم علیه‌السلام در سخن و رفتار، مخالف سخنان با دشمنان و به عبارت نمود دشمن‌ستیزی از مهم‌ترین ملاک‌ها و معیارهای انتخاب افراد برای احراز مناصب حکومتی در حکومت اسلامی است و رعایت این ویژگی‌ها می‌تواند در تعیین اصلح کمک شایانی نماید و انجام امور مردم را حکومت اسلامی سهولت بخشد.

واژگان کلیدی:

مقبوله عمر بن حنظله، گزینش اصلح، مناصب حکومتی، مناصب سیاسی.



شماره اول
پاییز و زمستان
۱۴۰۲

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم

۲. استاد حوزه و دانشگاه، دکتری از جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

موضوع گزینش و انتخاب به لحاظ حساسیت و نقش آن در تحقق شایسته‌سالاری و تضمین سلامت مدیریت کشور، اهمیت فراوانی دارد، سلامت نظام و حکومت با حضور کارکنانی و مسئولین کوشا و مسئولیت‌پذیر در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی امری بدیهی است که در تمامی جهان از طریق گزینش و انتخاب کارکنان شایسته و اصلح را برای کارهای حکومتی و نظام انتخاب می‌کنند.

گزینش سیاسی فرآیندی است که در آن افراد به مناصب سیاسی (در رده‌های مختلف حکومت و نظام سیاسی) دست می‌یابند. به تعبیر راش: «گزینش سیاسی فرآیندی است که به‌وسیله آن افراد، مقامات رسمی را در نظام سیاسی به دست می‌آورند یا در نقش صاحب‌منصبان رسمی، اساساً در مقامات سیاسی و اداری، ظاهر می‌شوند. اما در بعضی موارد در نقش منصب‌داران دیگر مانند اعضای قوه قضائیه، پلیس و ارتش خدمت می‌کنند» (راش، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴)، به‌طور کلی، وقتی از ساختارهای گزینش کارگزاران سخن می‌گوییم به این می‌اندیشیم که کشورها چگونه سیاست‌گذاران و مقام‌های اجرایی بلندپایه خود را برمی‌گزینند. (گابریل، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶)

تحلیل کاربست
مقبوله عمرین
حفظه در گزینش
اصلح در مناصب

توضیح اینکه: برای حکومت و نظام سیاسی چهار کارکرد، از قرار ذیل برشمرده می‌شود: (۱) جامعه‌پذیری سیاسی؛ (۲) بیان و تجمیع خواسته‌ها؛ (۳) ارتباطات سیاسی؛ (۴) گزینش سیاسی. چنانکه مشاهده می‌شود از منظر این تحلیل، یکی از وظایف و کارکردهای نظام سیاسی، گزینش افراد و گروه‌هایی است که بایستی نقش‌های سیاسی را در سطوح گوناگون ایفا کنند. هر نظام سیاسی نیز متناسب با مبادی و مبانی خود، راه متفاوتی را برای استخدام و گزینش سیاسی به کار می‌بندد. (قوام، ۱۳۷۴، ص ۸۵-۸۷). به بیان دیگر، هر نظام سیاسی برای گزینش کارگزاران یا انتخاب صاحب‌منصبان سیاسی و اداری خود دارای رویه‌های خاص خود است. (گابریل، ۱۳۷۴، ص ۱۰۵)

دامنه گزینش سیاسی نیز منحصر در مقامات رسمی و بلندپایه نبوده، شامل مناصب و جایگاه‌های جزئی‌تری مانند پلیس و ارتش و... نیز می‌شود. معیار اساسی در این میان، تأثیرگذاری منصب در ساختار نظام سیاسی است و با این نگاه، با توجه به تأثیرگذاری حتی جزئی‌ترین مناصب در ساختار، می‌توان در همه مراتب و مناصب، در

ساختار نظام سیاسی، از گزینش سیاسی سخن به میان آورد. بر این اساس، گزینش سیاسی و شیوه گزینش، گستره‌ای به وسعت تمام مناصب اداری (و نه فقط مناصب سیاسی و کلان) دارد. (مشکانی، ۱۳۹۹، ص ۷۸)، به بیان دیگر، با توجه به رابطه ارکان گوناگون حکومتی از قبیل پلیس، ارتش، دستگاه قضایی، دستگاه قانون گذاری، دستگاه اجرایی و... و تأثیر هر کدام از این مناصب در ساختار نظام سیاسی، می توان به گونه واحدی بر لزوم گزینش سیاسی در تمام مناصب - و نه فقط مناصب سیاسی - سخن به میان آورد (راش، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴)

انتخاب و گزینش یک نوع تصمیم گیری بوده و تصمیم گیری ها تابع نفع و ضرر هستند؛ از جمله مسائل مهمی که نیازمند تصمیم گیری و انتخاب صحیح می باشد انتخاب در مناصب حکومتی و انتخاب شخص صالح در حکومت اسلامی است. بر این اساس در زمان حضور معصوم انتخاب افراد در مناصب حکومتی به تشخیص و بیان امام ع صورت می گیرد ولی در عصر غیبت و عدم حضور معصوم ع، روایات به جای مانده در منابع اصیل اسلامی تعیین کننده و بیانگر راه و روش انتخاب می باشد تا پیروان شریعت در پی به دست آوردن همه امور خویش از مسیر روایات باشند؛ علی بن مسیب همدانی گوید: به حضرت رضا ۷ عرض کردم در جایی دوردست زندگی می کنم و به شما دسترسی ندارم، از چه کسی احکام و مسائل دینی خود را فراگیرم؟ امام ۷ فرمود: از زکریا بن آدم قمی، که فردی مورد اطمینان در دین و دنیا است. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ق، ج ۲۷، ص ۱۴۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۷)

بنابراین حضور در انتخابات و همین طور انتخاب اصلح برای مناصب حکومتی از مقوله مواردی است که نیازمند بررسی دقیق در متون اسلامی برای روشن شدن مردم برای انتخاب فرد اصلح می باشد؛ روشن است که بحث گزینش سیاسی مربوط به حوزه فقه نظام سیاسی است. بحث از گزینش در فقه سیاسی نیز در دو جایگاه قابل بحث است: از این جهت که در بحث گزینش، ویژگی ها و مختصات برای افراد مورد گزینش در نظر گرفته می شود، ذیل بحث «فقه کارگزار» مورد بحث قرار می گیرد. اما از این جهت که گاه گزینش افراد پس از تعیین و تأیید صلاحیت های قانونی، به صورت انتخاب از سوی مردم انجام می شود، ذیل بحث «الشعب فقه» (فقه حقوق و تکلیف مردم در نسبت با نظام سیاسی) مورد بحث واقع می شود.



بر اساس تحقیق نویسندگان این مقاله، تاکنون مقاله یا نوشتاری را نمی‌توان یافت که به کاربست مقبوله عمر بن حنظله در تعیین ملاک‌های تعیین اصلح برای مناصب حکومت بپردازد و از این نظرگاه به بازخوانی این روایت به روش اجتهای بپردازد بر این اساس مقاله حاضر در نوع نگاه و نتایج بدون پیشینه است و بررسی با رویکرد یادشده از نوآوری‌های آن به شمار می‌آید.

مفهوم شناسی گزینش و انتخاب

گزینش در لغت عرب به معنی اختیار و انتخاب می‌باشد. اختیار مصدر باب افتعال، از ریشه «خ ی ر»، در لغت به معنی انتخاب، اختیار و گزینش، انتخاب خیر بیان شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۳۰۱؛ الفیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۵) خَیْرُ فُلَانَا کَذَا- او را به نیکی برگزیدم. خَیْرَةً- حالت نیکوئی است که برای شخص خیر خواهند و انتخاب‌کننده به دست می‌آید. اِخْتِیَار- یعنی خیر خواستن و طلب کردن آنچه را که خیر است و نیز انجام خیر و درباره چیزی هم که انسان خیر می‌بیند و خیر می‌داند گفته می‌شود هر چند در واقع خیر نباشد.

خدای تعالی گوید: «وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلٰی عِلْمٍ عَلٰی الْعَالَمِیْنَ» (سوره دخان، آیه ۳۲) - اگر - اخْتَرْنَا هُمْ - در این آیه اشاره‌ای به نیکو آفریدن آن‌ها از سوی خدای تعالی باشد صحیح است. و اگر هم اشاره‌ای به تقدمشان بر سایرین باشد نیز درست است در عرف و بیان اهل کلام (متکلمین) واژه - مُخْتَار - برای هر فعلی که انسان آن را نه بر سبیل اِکْرَاه بلکه با رغبت و میل انجام می‌دهد گفته می‌شود. (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج ۶، ص ۳۸۸)

چنانکه می‌گویند: هُوَ مُخْتَارٌ فِی کَذَا- منظورشان از این عبارت و اصطلاح آن چیزی نیست که مثلاً می‌گویند: فلان له اِخْتِیَار- یعنی فلانی اختیار داشت زیرا- اختیار- در معنی اخیر معنی برگزیدن و گرفتن چیزی است که برگزیننده آن‌ها خیر می‌بیند و این غیر از معنی مختار در نظر متکلمین است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۶۴۴)

در اصطلاح اختیار را امری را بر امری ترجیح یا تخصیص دادن و یا آن را بر امری مقدم داشتن و آزادانه امری از میان دو یا چند امر انتخاب کردن می‌باشد. (تهانوی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۴۱۹؛ احمدنگری، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۵۸) بنابراین گزینش به

تحلیل کاربست
مقبوله عمر بن
حنظله در گزینش
اصلح در مناصب

معنی انتخاب، و انتخاب خیر بوده و در اصطلاح ترجیح یا تخصیص دادن میان دو یا چند امر را گزینش گویند که در این مقاله این معنی و اصطلاح مدنظر می‌باشد.

اصلاح

اصلاح که کلمه‌ای عربی و از ریشه «ص ل ح» است، (أَصْلَحَ) أَتَى (بِالصَّلَاحِ) وَ هُوَ الْخَيْرُ وَ الصَّوَابُ وَ فِي الْأَمْرِ، صلاح یعنی خوب و درست؛ (مَصْلَحَةً) أَى خَيْرٌ وَ الْجَمْعُ، أَصْلَحَ- إِصْلَاحًا الشَّيْءَ: آن چیز را خوب و نیکو گردانید. (الغیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۳۴۵) این واژه ضد (أَفْسَدَ) است، - اصلاح بینهم: میان آن‌ها را اصلاح و آشتی داد- اصلاح الیه: به او احسان و نیکوئی کرد. (بستانی، ۱۳۷۶ ش، ص ۸۶) استعمال دیگر اصلاح، از ماده صلاح است. صلاح در مقابل فساد می‌باشد و معمولاً آن را در زبان فارسی «شایستگی» ترجمه می‌کنند. کار صالح یعنی کار شایسته و فرد صالح یعنی فرد شایسته. اصلاح به این معنا نیز در مقابل افساد است و به معنی انجام کار شایسته یا برطرف کردن فساد می‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۲۶) و در اصطلاح یعنی شخصی که صلاحیت و شایستگی بیشتری نسبت به دیگران دارد که بتواند نسبت به پستی که به او داده شده و یا انتخاب شده از دیگران بهتر فعالیت نماید. بنابراین اصلاح یعنی درست و نیکو و در زبان فارسی یعنی شایستگی و در اصطلاح شخصی را که صلاحیت و شایستگی بیشتری را نسبت به دیگران دارد موردنظر می‌باشد.

تصدی منصب سیاسی

در حکومت اسلامی تصدی منصب سیاسی از طریق انتخابات انجام می‌پذیرد؛ این نوع از انتخاب گاهی به واسطه آرای مستقیم مردم صورت می‌گیرد و گاهی به گونه غیرمستقیم، بدین ترتیب که مردم نخست نمایندگان را برمی‌گزینند و سپس آن‌ها، به انتخاب رهبر اقدام می‌کنند. (صفری، ۱۳۹۶، ص ۹)

دستور صریح به گزینش و انتخاب

دستور صریح به گزینش و انتخاب در متن دین، توسط معصومان علیهم‌السلام بیان گردیده است. انتخاب و گزینش در اسلام و همچنین نظارت بر آن با تمام انتخابات در نظام‌های حقوقی و سیاسی دنیا متفاوت است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، برای انتخاب کارگزاران حکومت اسلامی، باید در میان افراد صالح و شایسته، اصلاح و شایسته‌ترین افراد را بر اساس مبانی، اهداف، اصول و معیارهای اسلامی انتخاب نمود. این نوع



انتخاب در تمامی مناصب حکومتی باید رعایت گردد زیرا هر حکومتی کارگزاران و کارمندانی برای اجرای امور حکومت نیاز دارد و بر اساس شرایطی آن‌ها را انتخاب می‌کند. برخی از این شرایط را امیر مؤمنان علیه‌السلام در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه تعیین نموده است:

«و تَوْخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْأَسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ...»؛ کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن؛ زیرا اخلاقشان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری‌شان بیشتر است. (مرتضایی، ۱۳۸۷، ص ۶)

حال با توضیحاتی که بیان گردید می‌توان این‌گونه بیان کرد که تصدی مناصب حکومتی در حکومت اسلامی از نوع انتصابی است که این انتصاب در چارچوب می‌تواند مورد انتخاب قرار گیرد و فرد شایسته بر منصب سیاسی و حکومتی بنشیند.

ادله وجوب گزینش اصلح

انتخابات در واقع پذیرفتن مسئولیت‌هاست، و قبول مسئولیت و واگذاری آن به اشخاص باید مورد توجه قرار بگیرد و در نتیجه در تمامی مناصب حکومتی و بخصوص حکومت اسلامی باید از فرد اصلح و دارای شرایط مشخص شده در روایات انتخاب شود و سپردن مدیریت به کارگزاران و مدیران ناصالح به ناکارآمدی حکومت اسلامی می‌انجامد، و طبق فرمایش رسول اکرم (ص):

من استعمل رجلا من عصابة و فيهم من هو ارضي لله منه فقد خان الله و رسوله و المؤمنین؛ کسی که عهده‌دار یکی از امور مسلمانان شود و فردی را سرپرست کاری کند، باینکه می‌تواند کسی را که برای مسلمانان بهتر از او باشد بیابد، به خدا و رسولش خیانت کرده است (متقی هندی ۱۴۰۱ ق، ج ۶، ص ۲۵؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۷۵، ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۸).

طبق ادله موجود در فقه از جمله آیات (نساء، آیه ۵۸؛ رعد، آیه ۱۱)، روایات شیعه و اهل سنت (بیهقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۲۰۱؛ هیثمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۲۱۱؛ امینی، ۱۳۶۸ ش، ج ۸، ص ۲۹۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ ق، ج ۶، ص ۱۹، حدیث ۱۴۶۵۳، پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۶۱، ح ۱۰۲۹، السیوطی جلال‌الدین، بی‌تا،

تحلیل کاربست
مقبوله عمرین
حفظه در گزینش
اصلح در مناصب

ج ۱۰، ص ۴۰۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۹۲، بیهقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۷، ص ۱۳۶؛ طبرسی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۳۵۵؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۳۳)، قواعد فقهی از قبیل قاعده مصلحت (علیدوست، ۱۳۸۸ ش، ص ۸۶) و حفظ نظام، سیره عقلا (باقی زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵)، سیره اهل بیت (علیهم السلام) و همچنین دفاع از بیضه الاسلام (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۴، ابن فهد الحلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۹۵، طباطبائی، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۴۴۷)؛ انتخاب اصلح در مناصب حکومتی بر مردم و حاکمان و مسئولینی که نقش انتخاب مدیران و وزار رادارند واجب می باشد.

واکاوی گزینش اصلح در مقبوله

به جهت اثبات گزینش اصلح و تأکید بر انتخاب فرد شایسته در مناصب سیاسی در حکومت اسلامی همان طور که از بیان گردید فردی که می خواهد منصب سیاسی را در حکومت اسلامی بر عهده بگیرد باید دارای ویژگی هایی باشد در روایت مقبوله عمر بن حنظله ویژگی ها و صفاتی بیان گردیده است که می تواند در انتخاب فرد اصلح در مناصب سیاسی مورد توجه قرار گیرد. به همین جهت برای اثبات گزینش اصلح و بیان ویژگی های شخص مورد انتخاب در مقبوله عمر بن حنظله نیازمند بحث از اعتبار سندی و دلالتی روایت هستیم.

الف: بررسی اعتبار سندی روایت

سند روایت مقبوله بر اساس کتب اربعه عبارت است از

محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن محمد بن عیسی عن صفوان بن یحیی عن داود بن الحصین عن عمر بن حنظله قال سألت أبا عبد الله ع ..قال: من كان منكم ممن قد روى حديثنا و نظر في حلالنا و حرامنا فليرضوا به حكماً فإني قد جعلته عليكم حاكماً (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۷، ص ۱۳۶؛ طبرسی، ۱۴۲۴ ق، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۵۵؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۳۳). [حضرت أبو عبد الله علیه السلام فرمود که: که باید نظر کنند به آن که از شما باشد و حدیث از ما روایت کند و حلال و حرام ما را بداند و عارف بأحكام ما باشد.]

نسبت به بعضی از راویان این حدیث ایراد شده است، مثلاً محمد بن الحسن بن مضمون را علمای رجال تضعیف کرده اند، نجاشی در مورد او می گوید: «محمد بن



الحسن بن مشمون ابو جعفر، بغدادی، واقف ثم غلا و كان ضعيفا جدا، فاسد المذهب و اضيف اليه احاديث الوقف»: كنيه‌اش ابو جعفر بوده و اصل بغداد، از واقفیه بشمار آمده که بعدا قائل به غلو نسبت به ائمه عليهم السلام شده است و بسیار ضعیف بوده، از مذهب فاسد نیز پیروی کرده و احادیث وقف به او نسبت داده شده است. (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۳۵) و همچنین شیخ طوسی نسبت غلو به او داده است (طوسی، ۱۴۱۵، ق، ص ۳۷۹)، ابن غضائری نیز او را شخص ضعیفی به شمار آورده و بیان کرده به او و نوشته‌هایش و آنچه به او نسبت داده می‌شود نباید توجهی کرد (خوئی، ۱۴۱۳، ق، ص ۲۳۶)

محمد بن عیسی را شیخ در کتاب رجال و فهرستش ضعیف دانسته (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۳)، ولی نجاشی و فضل بن شاذان او را مردی جلیل‌القدر و کثیر الروایه و ثقه دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶، ق، ۳۳۳) و ظاهراً تنها ایرادی که بر او هست این است که او را نسبت به ائمه اطهار عليهم السلام «غالی» می‌دانستند، یعنی در حق ائمه طاهرین غلو می‌کرد، ولی باید توجه داشت که در آن روزگار هر شیعه‌ای که نسبت به ائمه طاهرین عليهم السلام در اظهار محبت شدتی به خرج می‌داد، به او نسبت غلو می‌دادند. از فقهای دیگری که روایات محمد بن عیسی را به دیده قبول انگاشته‌اند می‌توان به میرزای قمی در غنایم (قمی، ۱۴۱۸، ق، ج ۲، ص ۴۹۶)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۵، ق، ج ۱۰، ص ۲۲۲)، سید محسن حکیم در مستمسک (حکیم، ۱۴۰۴، ق، ج ۶، ص ۴۱۴)، امام خمینی در کتاب الطهاره (خمینی، ۱۴۱۰، ق، ج ۱، ص ۱۹۶) و در کتاب مکاسب محرمة (خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۰) و آیت‌الله خویی در کتاب الطهاره (خوئی، ۱۴۰۷، ق، ج ۵، ص ۳۹) اشاره کرد. شیخ در رجالش داوود بن حصین را دارای مذهب واقفی دانسته (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۴۹)، ولی نجاشی او را توثیق کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۵۹)، آیت‌الله خوئی می‌نویسد: حق این است که با توجه به شهادت شیخ طوسی و ابن عقده بر واقفی بودن داوود باید حکم به واقفی بودن او داد؛ اما منافاتی ندارد که شخصی دارای مذهب واقفی بوده، ولی در نقل حدیث مورد وثوق و اطمینان باشد. (خوئی، ۱۴۱۳، ق، ص ۱۰۳)

عمر بن حنظله نیز که راوی اصلی حدیث است، در کتب رجال، نه به مدح توصیف شده و نه به ذم، گر چه بعضی از بزرگان خواسته‌اند به خاطر نقل بعضی از روایات او را موثق بدانند، مثل اینکه در تنقیح المقال (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص

۴۵۵) این گونه آمده است: «شیخ درجایی او را از اصحاب امام باقر و در جای دیگر او را از اصحاب امام صادق (ع) دانسته است، درحالی که درباره شرح حال وی در کتب رجالی چیزی نیامده است، و آن را توثیق کرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۵۲). لکن در کافی در باب وقت الصلوة از علی بن ابراهیم از محمد عیسی از یونس از یزید بن خلیفه روایت شده که گفت به امام صادق (ع) عرض کردم که عمر بن حنظله درباره وقت نماز از شما مطلبی نقل کرده، حضرت فرمود: «أدّ الا یکذب عَلینا» «او بر ما دروغ نمی بندد» (کلینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۷۹؛ ابن شهید ثانی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۹۰؛ تبریزی، راضی بن محمد، ج ۱، ص ۱۸۴؛ خوئی، ۱۴۲۲، ق، ج ۲، ص ۴۹۱)

به هر حال چون در سلسله سند صفوان بن یحیی وجود دارد که از اصحاب اجماع است و شیخ در کتاب عدّه خود درباره صفوان فرموده: «لا یرسل الا عن ثقة» (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴). و به علاوه، اصحاب امامیه در باب قضا نیز به این حدیث عمل کرده اند، قهراً می توان از لحاظ سند به آن اعتماد کرد، گرچه از روایات صحیح نیست، لکن به خاطر این که در نظر اصحاب پذیرفته شد، به «مقبوله» شهرت یافت. (طاهری، حبیب الله، ۱۳۸۰، ص ۲۸۱)

دلیل بر صحیح بودن عمر بن حنظله

بسیاری از فقیهان از راه های مختلف وثاقت عمر بن حنظله را اثبات کرده و حکم به قبول احادیث او داده اند از جمله این موارد می توان به (نوری ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۳۹-۴۰ و صدر، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۴ و خمینی، ۱۴۱۸، ص ۳۲ و روحانی، ۱۴۱۴، ج ۲۵، ص ۲۶ و حکیم، ۱۴۱۵، ص ۱۶۹ و حکیم، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۵۸ و حائری، ۱۴۱۵، ص ۲۵) گرچه این دلایل هر کدام به تنهایی نتواند وثاقت عمر بن حنظله را اثبات کنند اما از مجموع آنها می توان به موثق بودن او اطمینان کرد به همین جهت بعضی از فقها از روایات او تعبیر به صحیح نموده اند که از جمله می توان به میرزای قمی در غنایم الامام (قمی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۶)، صاحب جواهر در جواهر الکلام (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳۰، ص ۱۹۲)، آقا رضا همدانی در مصباح الفقیه (همدانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۴)، آیت الله خوانساری در جامع المدارک (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۰۸) و روحانی در کتاب فقه الصادق (روحانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۱۲)، اشاره کرد.

با توجه به آنچه ذکر شد می توان نتیجه گرفت که تمامی راویان حدیث ثقه هستند و می توان به روایت تمسک کرد. و برفرض در بعضی از راویان حدیث تشکیک کنیم اما



روایت مورد قبول فقها قرار گرفته و از آن تعبیر به مقبوله کرده‌اند که ظاهراً نشان می‌دهد که حدیث را قبول دارند.

این روایت در عین این که ظاهر آن دلالت بر قضاوت صادرشده و پرسش‌کننده از مراجعه به قاضی، تنازع در دین و میراث آن سؤال نموده است، لذا حضرت در پاسخ سؤال کلماتی را به کار برده که از چند جهت بر انتصاب اصلح برای مناصب حکومتی دلالت دارد.

در تحلیل دلالتی این روایت عناوین مرجحات صدور و صفاتی، مرجحات جهتی و مضمونی را باید بررسی نمود زیرا درباره صفات ذکر شده و نحوه رتبه‌بندی و استفاده از آن در عمل در بین فقها و اصولیین اختلافاتی وجود دارد. مرجحات صدور مانند افقه و عدل، مرجحات جهتی مانند ماخالف العامه، و مرجحات مضمونی مانند ماوافق کتاب الله می‌باشد. (محقق نائینی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۷۷۴).

الغای خصوصیت در روایت عمر بن حنظله

الغای خصوصیت از راهایی می‌باشد که فقها به وسیله آن قصد شارع یا قانون‌گذار را از نص وی، استخراج کرده و حکم آن را به موارد و موضوعات دیگر که در مورد آن‌ها نص وجود ندارد و گمان می‌شده که ایت حکم به آن‌ها ارتباط ندارد، سرایت می‌دهد. مجتهد از این طریق خصوصیتی را که یقین دارد حکم به موضوع به علت وجود آن‌ها در موضوع نبوده است را یکایک ملغی می‌نماید و از این طریق افراد بیشتری را در موضوع وارد کرده و عمومیت آن را گسترش می‌دهد.

با مراجعه به کلمات فقها و اصولیین درمی‌یابیم که الغاء خصوصیت با قیاس متفاوت بوده و مرز ظریفی با آن دارد. آیت‌الله خوئی رحمته الله علیه درباره الغای خصوصیت می‌گوید:

«أن إلغاء الخصوصية يحتاج إلى قرينة داخلية أو خارجية وهي غير موجودة، بل ذلك قياس لا نقول به»؛ الغای خصوصیت نیاز به قرینه داخلی یا خارجی دارد و اگر این قراین وجود نداشته باشند، عمل به آن همان قیاس خواهد بود که شیعه به آن معتقد نیست (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۲۶، ص ۳۲).

تحلیل کاربست
مقبوله عمر بن
حنظله در گزینش
اصلح در مناصب

دلیل بر حجیت الغاء خصوصیت این است که فقها و اصولین الغای خصوصیت را از باب حجیت ظهور کلام دانسته‌اند: (نائینی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۱۹؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۰۰؛ مروج، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۸۵؛ مشکینی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۴۸).

همچنین شهید آیت‌الله صدر در شرح خود بر عروه‌الوثقی بیان کرده‌اند:

«إلغاء الخصوصية في الذهن العرفي انما ينفع في باب لادلة اللفظية، لانه يكون من القرائن المكتنفة بالكلام الموجبة لانعقاد طهورات فيه، وهذه الطهورات هي الحجة بمقتضى دليل حجية الظهور.» الغای خصوصیت از باب ادله لفظیه است، زیرا در کلام قرائنی یافت می‌شود که موجب انعقاد ظهور کلام در آن شده و این ظهورها به اقتضای حجیت ظهور الفاظ، حجت هستند. (صدر، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۴).

الغای خصوصیت نوعی توسعه در موضوع می‌باشد و تمامی حجیت آن به اصله الظهور برمی‌گردد؛ به همین دلیل آن‌ها را باید دو شیوه تفسیری در فرایند استنباط دانست که در بسیاری از موارد می‌تواند به پویایی فقه بینجامد اما قیاس از قبیل توسعه در موضوع نیست، بلکه تسری حکم یک موضوع مستقل به موضوع مستقل دیگر است؛ به همین دلیل جنس قیاس از جنس منابع تشریعی است؛ بنابراین چنانچه علت کشف‌شده قطعی نباشد، در شیعه و برخی علمای اهل سنت فاقد هرگونه اعتبار است. (فیاضی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳)

تطبيق مقبولة برگزینش اصلح در مناسب حکومتی

بعد از بررسی روایت این‌چنین می‌توان از این روایت بر انتخاب اصلح حکم کرد که در عصر غیبت حاکمیت و ولایت طبق روایت در نزد فقهای جامع‌الشرایط است؛ فقهای که شرایط بیان‌شده در روایت از قبیل اعدل بودن، افقه بودن، اورعیت، مشهور بودن و مجمع علیه بودن، صدقیت را دارا باشد؛ یعنی شخصی که این شرایط را داشته باشد صلاحیت ولایت بر مردم در افتاء، اجرای حدود، اختیارات قضایی، نظارت بر حکومت و امور حسبیه، در مسائل سیاسی و اجتماعی را دارد؛ حال با توجه به الغاء خصوصیت می‌توان این خصوصیات بیان‌شده در روایت مقبولة عمر بن حنظله را در دیگر مناصب حکومتی جریان داد.

تحليل شاخص‌های روایت در انتخاب اصلح



در این روایت ویژگی‌هایی برای انتخاب اصلح ذکر شده است که بر تطبیق آن گزینش اصلح در مناسب سیاسی نیازمند تحلیل اجتهادی می‌باشد در این زمینه ۸ شاخصه بیان شده است که ۵ شاخصه آن از شاخصه‌های فردی بوده و ۳ شاخصه از شاخصه‌های گفتاری و رفتاری می‌باشد.

۱. شاخصه‌های فردی

این چنین به نظر می‌رسد که برای سنجش فرد اصلح در مناصب حکومتی می‌توان شاخصه‌های مطرح شده در روایت مقبوله عمر بن حنظله را برای انتخاب فرد اصلح مورد توجه قرارداد:

الف: شاخص «اعدل بودن»

فقها عدالت را چنین تعریف کرده‌اند: «ملکة اتیان الواجبات و ترک المحرمات و تعرف بحسن الظاهر الکاشف عنها علما او ظنا و تثبت بشهادة العدلين و بالشیاع المفید للعلم» (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵) عدالت عبارت است از نیروی باطنی که شخص را وادار کند که به تکالیف واجب عمل کند و از کارهای حرام (به‌طور کلی) اجتناب نماید و این نیروی باطنی از طریق حسن ظاهر (روش‌های عملی) شناخته می‌شود و نیز از طریق شهادت دو نفر عادل و شهرت، (اساسی) که موجب علم شود، به دست می‌آید (خلخالی، بی‌تا، ص ۲۲۴) این امر نیاز به سنجش کمیت و کیفیت گزارش از رفتارهای متعادل و حق‌شناسانه در سخن و رفتار است؛ که بررسی سوابق فرد مورد نظر اظهار نظرها و عملکردهای فرد در فعالیت‌های گذشته را باید مورد توجه قرارداد.

ب: شاخص‌های «افقه بودن»

در مناصب حکومتی افقه‌یت به معنای شناخت اوضاع زمان و شرایط کشور و امور اجتماعی (خلخالی، بی‌تا، ص ۴۹۵) و علمیت و تخصص در آن منصب می‌باشد. میزان سابقه در تحلیل‌ها، میزان احاطه بر ادله و میزان احتمال پردازی در مراد از ادله و احتمال پردازی در روابط میان ادله است و همچنین میزان دین‌شناسی و بالخصوص نظام حقوقی اسلام به جهت رعایت موازین اسلامی در تحلیل‌ها و دستورات و حفظ حکومت اسلامی می‌باشد.

ج: شاخص «اورعیت»

اورع به دو معنا می‌باشد: الف اورع در دوری از گناه و معصیت و احتیاط در آن و اورع در فتوا که منظور ما در اینجا معنی اول می‌باشد که میزان احتیاط‌هایی که در

تحلیل کاربست
مقبوله عمر بن
حنظله در گزینش
اصلح در مناصب

زندگی و رفتارهای او در رعایت حق‌الله و حق‌الناس‌ها ظهور و بروز دارد و هم‌چنین میزان رنگ و بوی خدایی داشتن در فعالیت‌ها مدیریتی مدنظر می‌باشد.

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۵۸) از تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام در ذیل آیه مبارکه: **فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ...** (سوره بقره، آیه ۷۹)، از امام صادق علیه السلام - پس از تقسیم فقها به دو قسم - چنین نقل می‌کند که امام فرمود: «فأما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدينه، مخالفا على هواه، مطيعا لامر مولاه، فللعوام ان يقلدوه و ذلك لا يكون إلا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم ...». شخصی که منصبی را بر عهده می‌گیرد؛ مقام سیاسی و اجتماعی بر عهده او قرار گرفته و باید حافظ آن باشد. پس لذا شخصی توانایی آن را دارد که ورع و تقوای بیشتری داشته باشد و از حدود الهی دوری نکرده و تحت فرمان خداوند باشد. (خلخالی، بی‌تا، ص ۲۲۶)

د: شاخص «صدقیت» میزان شفافیت گفتار و عملکرد فرد در حیطه‌های مختلف، و میزان موفقیت در انجام امور است.

ه: شاخص «مشهور بودن و مجمع علیه بودن»، میزان اعتماد و ارجاعات اهل تخصص دینی، میزان گفتار و عمل بر اساس قدر مشترک‌های عمومی و نداشتن نظرات و رفتاری غیرمتعارف.

۲. شاخصه‌های گفتاری و رفتاری

از دیگر شاخصه‌های موردتوجه بعد بررسی موارد فوق و مساوی بودن بین افراد برای رسیدن به فرد اصلح می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف: میزان شباهت گفتارها و رفتارها با مضامین قرآن و سنت (تعبیر در روایت حسن بن جهم چنین است: ما یشبههما فهو منّا؛ احادیث را بر قرآن و سایر احادیث ما عرضه کن اگر شباهت با قرآن و بقیه احادیث ما داشت فهو منّا ولی اگر شباهت نداشت لیس منّا) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۹۳)

ب: میزان رغبت و توجه مخالفین اصل دین و ایمان و حقیقت، به یکی از گزینه‌ها (شاخص مخالفت عامه)

ج: میزان نتایج مخرب احتمالی نسبت به اصل دین و ایمان در صورت انتخاب گزینه موردنظر (شاخص اخذ به احتیاط)



در مورد نحوه اعمال این مرجحات و ترتیب آنها نیز می‌توان گفت: ابتدا خصوصیات ذهنی، روحی و رفتاری گزینه‌ها بررسی می‌شود، سپس میزان انطباق خروجی افکار و رفتارها با معیارهای فضای اعم اغلب تخصصی، سپس میزان مشابهت آنها با مضامین منابع اصلی، و سپس میزان توجه و ارتباط با افکار و رفتارهای مخالفین، و در آخر هم میزان احتمال تخریب در صورت خطا.

از این روایت به‌عنوان یکی از مستندات حیطة ولایت فقیه نیز استفاده شده است و تمام فقهاء در مورد جواز تصرف فقیه در حیطة قضاء و امور حسبه اتفاق نظر دارند (ولایت مقیده فقیه)، لکن برخی دیگر از فقهاء احتمال دلالت این روایت را به حیطة حکومت نیز تسری می‌دهند و جواز تصدی حکومت توسط فقیه در عصر غیبت را بررسی کرده‌اند (ولایت مطلقه فقیه). (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۸؛ خمینی، ص ۹۲؛ حسینی طهرانی، ج ۱ ص ۱۹۹)

این توسعه در دلالت، بر اساس «الغاء خصوصیت» از مصادیق مذکور در متن روایت انجام شده است؛ شیخ انصاری در کتاب القضاء و الشهادات، چنین بیان کرده است:

«لا نزاع فی نفوذ حکم الحاکم فی الموضوعات الخاصه إذا کانت محلا للتخاصم، لکن إنّ تعلیل الإمام علیه السلام وجوب الرضی بحکومته فی الخصومات بجعله حاکما علی الإطلاق و حجه کذلک، يدلّ علی أنّ حکمه فی الخصومات و الوقائع من فروع حکومته المطلقه و حجیته العامه، فلا یختص بصوره التخاصم.» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۹)

مرحوم نائینی در تحلیل دلالت این روایت چنین آورده است:

فی «فائى قد جعلته علیکم حاکما» الحکومه ظاهره فی الولایه العامه. (محقق نائینی، ۱۳۷۳ ق، ج ۱ ص ۳۲۷)

پس با توجه به الغای خصوصیت و تسری دادن این روایت به حیطة حکومت این چنین نتیجه گرفته می‌شود که نشانه‌هایی که در روایت مقبوله بیان شده است را می‌توان نشانه‌ای بر انتخاب فرد اصلح در مناصب حکومتی مورد توجه قرارداد و با توجه به این خصوصیات فرد اصلح را انتخاب نمود.

تحلیل کاربست
مقبوله عمرین
حنظله در گزینش
اصلح در مناصب



شماره اول
پاییز و زمستان
۱۴۰۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت معلوم می‌شود که موضوع گزینش و انتخاب به لحاظ حساسیت و نقش آن در تحقق شایسته‌سالاری و تضمین سلامت مدیریت کشور، اهمیت فراوانی دارد، سلامت نظام و حکومت با حضور کارکنانی و مسئولین کوشا و مسئولیت‌پذیر در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی امری بدیهی است که در تمامی جهان از طریق گزینش و انتخاب، کارکنان شایسته و اصلح را برای کارهای حکومتی و نظام انتخاب می‌کنند.

انتخابات در واقع پذیرفتن مسئولیت‌هاست، و قبول مسئولیت و واگذاری آن به اشخاص باید مورد توجه قرار بگیرد و در نتیجه در تمامی مناصب حکومتی و بخصوص حکومت اسلامی باید از فرد اصلح و دارای شرایط مشخص شده در روایات از قبیل: عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری، خیرخواهی برای مردم، مهربانی با مردم، بخشندگی، ساده‌زیستی و افرادی که در قول و فعل عامل به احکام و موازین اسلامی باشند و همین‌طور متخصص بودن فرد با منصب و... باشد.

و سپردن و مدیریت کارگزاران و مدیران ناصالح به ناکارآمدی حکومت اسلامی می‌انجامد، و طبق فرمایش رسول اکرم ۹ کسی که عهده‌دار یکی از امور مسلمانان شود و فردی را سرپرست کاری کند، باینکه می‌تواند کسی را که برای مسلمانان بهتر از او باشد بیابد، به خدا و رسولش خیانت کرده است.^۱

بر اساس عملکرد «الغاء خصوصیت»، می‌توان گفت که این روایت را می‌توان بیانگر ملاک ترجیح و انتخاب برای تمام مواردی دانست که در سرنوشت افراد تأثیرگذارند. حال اگر بخواهیم این معیارها را به زبان مدل‌های تصمیم‌گیری بیان کنیم می‌توان گفت: در تصمیم نسبت به انتخاب مرجع اجتماعی و ترجیح یک گزینه بر گزینه دیگر، باید بعد از احراز شاخص‌های اولیة تخصصی و تعهدی، معیارهای بیان‌شده از قبیل:

^۱. من استعمل رجلا من عصابة و فیهم من هو ارضی لله منه فقد خان الله و رسوله و المؤمنین. متقی هندی، کنز العمال ج ۶، ص ۲۵ کتاب الاماره، باب ۱، حدیث ۱۴۶۸۷؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۵، المناقب، ج ۱، ص ۲۵۸

الف: مناط افقه بودن: شناخت اوضاع زمان و شرایط کشور و امور اجتماعی و علمیت و تخصص در آن منصب می‌باشد و همچنین میزان دین‌شناسی و بالخصوص نظام حقوقی اسلام؛

ب: مناط عدل بودن: منظور از عدالت عبارت است از نیروی باطنی که شخص را وادار کند که به تکالیف واجب عمل کند و از کارهای حرام (به‌طور کلی) اجتناب نماید و این نیروی باطنی از طریق حسن ظاهر (روش‌های عملی) شناخته می‌شود؛ میزان تعادل رفتاری و گفتاری و رعایت سنجیده گی در سخن و رفتار بررسی سوابق اظهارنظرها و عملکردها؛

ج: مناط اصدق بودن: میزان شفافیت در گفتار و رفتار و موفقیت در انجام کارها؛

د: مناط اورعیت: میزان احتیاط ورزی در گفتار و رفتار در رعایت حق‌الله و حق‌الناس‌ها و همچنین میزان رنگ و بوی خدایی داشتن؛

هـ: شاخص شهرت: میزان اعتماد و ارجاعات اهل تخصص دینی، میزان گفتار و عمل بر اساس قدر مشترک‌های عمومی و نداشتن نظرات و رفتاری غیرمتعارف و شاذ؛
و: میزان شباهت گفتارها و رفتارها با مضامین قرآن و سنت (تعبیر در روایت حسن بن جهم چنین است: ما یشبههما فهو منّا)

ز: شاخص مخالفت عامه: میزان رغبت و توجه مخالفین اصل دین و ایمان و حقیقت، به یکی از گزینه‌ها (شاخص مخالفت عامه)

ک: شاخص اخذ به احتیاط: میزان نتایج مخرب احتمالی نسبت به اصل دین و

ایمان در صورت انتخاب گزینه موردنظر
را بررسی کرد و بر اساس شدت و ضعف آن‌ها، گزینه نهایی را انتخاب نمود تا شخص اصلح در منصب خود قرار گیرد تا رشد سیاسی و بین‌المللی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... در نظام حکومت اسلامی تحقق پیدا کند.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *المناقب*، قم: علامه، بی تا.
- ابن فهد حلی، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللثالی*، قم: مؤسسه سیدالشهداء ۷، ۱۴۰۳ ق.
- ابوالقاسم خویی، *الطهاره*، دارالهادی، چاپ دوم، ۱۰ جلد، قم، ۱۴۰۷ ق.
- ابوالقاسم خویی، *معجم رجال الحدیث*، چاپ پنجم، ۲۴ جلد، ۱۴۱۳ ق.
- ابوالقاسم قمی (میرزای قمی)، *غنائم الایام*، تحقیق عباس تبریزیان، چاپ اول، ۵ جلد، ۱۴۱۸ ق.
- احمد بن علی نجاشی، *رجال نجاشی*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، یک جلد، قم، ۱۴۱۶ ق.
- احمدنگری، عبدالنبی، *جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۵ ق.
- امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- باقی زاده، محمدجواد، امیدوی فر، عبدالله، *مقاله ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه*، دوره ۱۲، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۳، صفحه ۱۷۰-۲۰۰
- برهان فوری، علاءالدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، تحقیق بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت: مؤسسه

الرسالة، ١٤٠١ ق.

- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ /بجدی، بی جا: اسلامی، ١٣٧٦ ش.
- بیهقی، احمد بن الحسین، سنن البیهقی الكبرى، مکة المكرمة: مكتبة دار الباز، ١٤١٤ ق.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش، ١٣٨٢ ش.
- تهانوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون ١٣٧٦، ش
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، ١٤١١ ق، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حرّ عاملی، محمد حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ١٤١٦ ق.
- خلیل بن احمد، العین، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ١٤٠٥ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ١٤١٢ ق، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریة: دار العلم - الدار الشامیة.
- روح الله خمینی، الطهارة، موسسه اسماعیلیان، ٣ جلد، قم، ١٤١٠ ق.
- روح الله خمینی، المکاسب المحرمة، موسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ٢ جلد، قم، ١٤١٠ ق.
- سیوطی، جلال الدین، بی تا، جامع الاحادیث، بی جا: مكتب البحوث و الدراسات فی دارالفکر.
- طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ١٤١٥ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، قم: اسوه، ١٤٢٤ ق.
- علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ١٣٨٨ ش.



شماره اول
پاییز و زمستان
١٤٠٢

- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
- قوام، سید عبدالعلی، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
- گابریل، آلموند و همکاران، چارچوبی برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.
- مایکل راش، جامعه و سیاست، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروة، کتابخانه آیه الله مرعشی، چاپ دوم، ۱۴ جلد، قم، ۱۴۰۴ ق.
- محمد بن حسن طوسی، الفهرست، تحقیق جواد قیومی، موسسه نشر الفقهاه، چاپ اول، یک جلد، ۱۴۱۷ ق.
- محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، موسسه نشر اسلامی، یک جلد، قم، ۱۴۱۵ ق.
- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۴۳ جلد، ۱۳۶۵ ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
- ملاصدرا، الاسفار الاربعه، بی جا: دار احیاء التراث، ۱۹۸۱ م
- مشکانی، عباسعلی، نوروزی، محمد جواد، مقاله در آمدی بر «گزینش سیاسی» در «فقه دولت» با تاکید بر روایات کتاب القضاء وسائل الشیعه، دوفصلنامه فقه و دولت اسلامی، / سال اول- شماره دوم/ پائیز و زمستان ۱۳۹۹.
- هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر، ۱۴۰۸ ق، مجمع الزوائد و منبع الفوائد،

تحلیل کاربست
مقبوله عمرین
حفظه در گزینش
اصلاح در مناصب

بیروت: دار الکتب العلمیه.

- میرزا حسین نوری، *خاتمه مستدرک الوسائل*، موسسه آل البيت، چاپ اول، ۶ جلد، قم، ۱۴۱۶ ق.
- محمد باقر صدر، *شرح العروه الوثقی*، مطبعه الآداب، ۴ جلد، نجف اشرف، بی تا.
- سید مصطفی خمینی، *ثلاث رسائل ولایت فقیه*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، یک جلد، ۱۴۱۸ ق.
- محمد صادق روحانی، *فقه الصادق*، موسسه دارالکتاب، چاپ سوم، ۲۶ جلد، ۱۴۱۴ ق.
- سید محمد سعید حکیم، *مصباح المنهاج - التقليد*، مکتب السید الحکیم، چاپ اول، یک جلد، قم، ۱۴۱۵.
- سید محمد سعید حکیم، *المحکم فی اصول الفقه*، موسسه المنار، چاپ اول، ۶ جلد، ۱۴۱۴ ق.
- سید کاظم حائری، *القضاء فی الفقه الاسلامی*، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول، یک جلد، قم، ۱۴۱۵ ق.
- ابوالقاسم قمی (میرزای قمی)، *غنائم الايام*، تحقیق عباس تبریزیان، چاپ اول، ۵ جلد، ۱۴۱۸ ق.
- محمد حسن نجفی، *جواهر الکلام*، تحقیق عباس قوچانی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۴۳ جلد، ۱۳۶۵ ش.
- آقارضا همدانی، *مکتبه الصدر*، ۵ جلد، بی تا.
- احمد خوانساری، *جامع المدارک*، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، چاپ دوم، ۷ جلد، تهران، ۱۴۰۵ ق.
- نعمت الله صفری، *مقاله انتصاب یا انتخاب از دیدگاه امام خمینی*، پرتال پژوهشی و اطلاع رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمین (ره)، تهران، ۱۳۹۶ ش.
- سید احمد مرتضایی، *مقاله مبانی «گزینش» و «نظارت بر انتخابات»*، ماهنامه معرفت، شماره ۱۲۵، اردیبهشت ۱۳۸۷.



شماره اول
بایز و زمستان
۱۴۰۲